ارزش‌گذاری قدرت‌های خارق‌العاده در اسلام

سپهرغرب، گروه اندیشه – حامد محمدی متین: قدرت‌های خارق‌العاده گاه الهی و گاه شیطانی است؛ بنابراین، قدرت‌های خارق‌العاده همواره نشان‌دهنده حقانیت دارنده آن نیست. نیروهای معنوی و الهی است که خبر از صدق طریقت می‌دهند. در گزارش قبلی به مقایسه و تحلیل قدرت‌های خارق‌العاده دین‌داران و مرتاضان پرداختیم و در این شماره از روزنامه، ارزش‌گذاری نیروهای این‌چنینی را بررسی می‌کنیم که در ادامه می‌خوانید:

هسته زردآلو در دست امام صادق (علیه‌السلام)

در روایات شیعی آمده است که روزی مرتاضی مُلحِد وارد مسجد مسلمانان شده و از افکار درونی آنان خبر می‌داد. مسلمانان ماجرا را به حضرت امام صادق علیه‌السلام گزارش می‌دهند. حضرت دستور می‌دهند مرتاض را نزد ایشان حاضر سازند؛ سپس برای آزمودن وی هسته زردآلویی در مشت خود گرفته و از او می‌خواهند که خبر دهد چه چیزی در مشت ایشان است؟ مرتاض کمی تأمل می‌کند و می‌گوید: من به همه عالَم نظر افکندم و دیدم همه‌چیز سر جای خود است مگر هسته زردآلویی که از مجموع موجودات عالَم کاسته و ناپدید شده است. ظاهراً آنچه در مشت شماست همان هسته زردآلو است. (باید بدانیم که پاسخ مرتاض نشان‌دهنده این است با وجود اینکه به همه عالَم اشراف داشته اما به دست حضرت احاطه نداشته؛ بنابراین نتوانسته به‌طور مستقیم بگوید در دست شما هسته زردآلو وجود دارد بلکه می‌گوید هسته زردآلویی از عالَم کاسته شده است.)

پس از پاسخ مرتاض حضرت مشت گره کرده خود را می‌گشایند و همه حضار مشاهده می‌کنند که پاسخ مرتاض صحیح بوده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: چگونه به این مقام دست یافتی؟ وی پاسخ می‌دهد: «من همواره مخالف خواسته و هوای نفس خویش عمل کرده‌ام»؛ به‌همین‌جهت، به مرتبه‌ای از تکامل نفسانی و روحانی دست یافته‌ام که به کل جهان احاطه دارم و حتی می‌توانم از منویات و افکار باطنی اشخاص مطلع گردم.

امام صادق (ع) با هوش و ذکاوتی که داشتند فرصت را غنیمت شمارده و به مرتاض پیشنهاد می‌دهند اسلام بیاورد. او مخالفت و اظهار می‌کند که حاضر نیست زیر بار احکام دست‌وپاگیر اسلام برود. حضرت می‌فرمایند: مگر ادعا نکردی همواره با خواسته دل خویش مخالفت می‌ورزی و همین رمز دست‌یابی شما به چنین کمالات خارق‌العاده‌ای بوده است؟ مرتاض پیشنهاد حضرت را موافق با منش و مرام خویش می‌یابد و اسلام می‌آورد؛ اما به‌محض اینکه مسلمان می‌شود همه قدرت‌های خویش را از دست می‌دهد. سپس به امام (ع) عرض می‌کند چرا وقتی به خدا و پیامبر اسلام (ص) ایمان نداشتم از آن‌همه اخبار غیبی برخوردار بودم اما حال که اسلام آوردم همه تلاش‌هایم بر باد رفت؟ حضرت می‌فرماید: «خداوند همه این کرامت‌ها را برای آخرت شما ذخیره کرد».

راستی خبر دادن از افکار و خیالات مردم چه ارزش و اهمیتی دارد؟ اما چنین احاطه‌ای در جهان آخرت با توجه به عظمت فوق‌العاده نعمت‌های بهشتی هرچه بیشتر باشد بازهم کم است؛ بنابراین «کسب چنین کرامت‌هایی در دنیا اگر به‌گونه‌ای باشد که در آخرت خیری برای انسان به همراه نداشته باشد هیچ ارزشی ندارد».

ارزیابی غلط داوران در برنامه عصر جدید

برنامه‌هایی که اخیراً در صدا و سیما تولید می‌شود با وجود داشتن نقاط مثبت بسیار، نقاط ضعف کوچک و بعضاً بزرگی را به‌همراه دارند. برای مثال، در برنامه «عصر جدید»، گاه افرادی چهار امتیاز می‌گرفتند و به مرحله بالا صعود می‌کردند که با توجه به ارزش‌های اسلامی هیچ‌گونه توجیهی برای امتیاز و تشویق آنان وجود نداشت؛ در یک مورد چهار نفر با استفاده از لب و دهان به‌صورت هماهنگ سعی در نواختن موسیقی داشتند. آن گروه از سوی داوران پذیرفته شدند بی آن‌که فایده‌ای بر کارشان مترتب شود. «کسب امتیاز از سوی چنین گروه‌هایی نشان‌دهنده عدم وجود ملاکی مشخص و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی از ناحیه داوران آن برنامه‌ها است». عمر انسان ارزشمندتر از آن است که به چنین اموری بپردازد و حتی در رسانه رسمی جمهوری اسلامی به‌عنوان امری پسندیده مورد تأیید و تشویق قرار گیرد و جامعه به آن سمت سوق داده شود. با این توصیف، قطعاً درصورتی‌که مرتاض مذکور در برنامه عصر جدید شرکت می‌کرد امتیاز طلایی را ازآن‌خود می‌کرد؛ درحالی‌که از نظر اسلامی چنین امری جز در مواقعی که گرهی از کار مؤمنین بگشاید فاقد ارزش اخلاقی است.

نسبت دنیا و آخرت

دلیل این قضاوت آن است که دنیا محدود و آخرت نامحدود است. تصور نامحدود بسیار مشکل بلکه تصور حقیقی آن ناممکن است. انسان فقط به‌طور مبهم می‌تواند نامحدود را تصور کند؛ چراکه عمری محدود مانند هزاران سال را در نظر می‌گیرد سپس قید «نا» را بدان می‌افزاید و واژه «نامحدود» را در ذهن می‌سازد؛ بنابراین، «انسان تصوری واضح از عمر نامحدود ندارد بلکه به‌صورت غیرمستقیم می‌فهمد که نامحدود چیزی است که محدود نیست».

آن‌گونه که در دانش ریاضی تصریح می‌شود «محدود نسبتی با نامحدود ندارد». نسبت دنیا با آخرت نسبتِ عددی است با مخرجِ یک همراه با بی‌نهایت صفر؛ به‌همین‌جهت، هرگاه بخواهیم میان کار دنیوی و اُخروی ارزش‌گذاری کنیم، «امر دنیوی نسبت به امر ابدی اُخروی ارزشی نزدیک به صفر دارد»؛ برای مثال، تحمل سختی در دنیا اگر خوشی و لذت ابدی در پی داشته باشد با خوشی و لذت حلال دنیوی که آن‌هم مستلزم لذت پایدار بهشتی باشد چندان تفاوتی ندارد؛ حتی بر اساس روایات، اگر مردم می‌دانستند سختی‌های دنیوی چه نعمت‌هایی را در آخرت نصیبشان می‌کند آرزو می‌کردند در دنیا قیچی‌قیچی شوند.

ارزش بی‌نهایت دنیا در تفکر اسلامی

ازاین‌رو، «در تفکر اسلامی آنچه اصالت دارد آخرت است و دنیا تنها در راستای آخرت ارزش پیدا می‌کند». سعادت اُخروی هدف نهایی است و دنیا ابزار دستیابی به آن؛ بنابراین، «با آن‌که دنیا در مقایسه با آخرت ارزشی نزدیک به صفر دارد می‌توان گفت دنیا ازآن‌رو که ابزاری برای کسب سعادت ابدی است بی‌نهایت ارزشمند است»؛ به همان دلیل، از منظر روایات، عمر انسان ارزشمندترین سرمایه‌ای است که نمی‌توان با هیچ‌چیز دیگری معاوضه یا حتی مقایسه‌اش کرد و باید قدر لحظه‌لحظه آن را دانست؛ (ما فاتَ مَضَی و ما سَیَأتِیک فَأینَ؟ قُم فَاغتَنِمِ الفُرصَةَ بَینَ العَدَمَین)؛ آنچه گذشت از بین رفت و آنچه می‌آید کجاست؟ برخیز و فرصت میان دو نیستی را دریاب. (شعر منتسب به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام).

ازاین‌رو، «ارزش‌گذاری هر کاری در دنیا با توجه به نقشی است که در سعادت و خوشبختی اُخروی یا شقاوت و عذاب ابدی دارد»؛ در نتیجه، برخی کارها تنها برای آخرت مفید است و ازآن‌رو ارزشمند است؛ برخی کارها هم برای دنیا و هم برای آخرت مفید است؛ برخی کارها نیز تنها برای دنیا مفید هستند.

از منظر ارزش‌های اسلامی انسان باید برای اصلاح دنیا و آخرتش بکوشد و «تلاش برای عمران و آبادانی دنیا امر قبیح و ناپسندی نیست مشروط به آنکه منافاتی با سعادت اُخروی نداشته باشد»؛ پس کاری که برای دنیا و آخرت نافع باشد مورد تشویق اسلام است اما کاری که تنها برای دنیا فایده دارد تنها ازآن‌رو که می‌تواند مقدمه ایمان قرار گیرد و زمینه را برای هدایت فراهم سازد دارای ارزش مقدمی است و خود از ارزش اصیل و بالذات برخوردار نیست. در گزارش بعدی نیز به همین موضوع خواهیم پرداخت.

آداب و برکات نماز در ادیان آسمانی

سپهرغرب، گروه اندیشه: نماز یکی از عبادت‌های مهمی است که ریشه در تمام شریعت‌های ابراهیمی دارد. خداوند در قرآن از نماز برخی از انبیای الهی ازجمله ابراهیم، موسی، شعیب، عیسی و زکریا علیهم‌السلام سخن می‌گوید.

نماز یکی از عبادت‌های مهمی است که ریشه در تمام شریعت‌های ابراهیمی دارد. خداوند در قرآن از نماز برخی از انبیای الهی ازجمله حضرات ابراهیم، موسی، شعیب، عیسی و زکریا علیهم‌السلام سخن می‌گوید. این عبادت در دین اسلام در پنج نوبت و در ۱۷ رکعت و به‌شکل منظمی خوانده می‌شود و در سایر ادیان با تفاوت‌هایی ادا می‌شود. «صابئیان» و «مندائیان» از ادیانی بودند که عبادت‌شان نزدیک به نماز مسلمانان بود. این ادیان ازجمله اقوام پارت‌ها و ساسانیان بودند. صابئیان کسانی‌اند که در زبان عربی به آن‌ها «مغتسلة» می‌گفتند، آن‌ها قبل از نماز، وضو گرفتن را هم لازم می‌دانستند. رشامه یکی از آداب واجب آن‌ها بود که قبل از ادای نماز انجام می‌دادند که ما به آن وضو می‌گوییم.

برای هر مندائی واجب بود سه بار در روز، صبح، ظهر و عصر عمل رشامه (وضو) را انجام دهد، برای این کار باید نیت کند و ذهن خود را از هرگونه آلودگی پاک کند و خود را از افکار مادی برهاند تا به این ترتیب خالصانه کنار آب رود و پس از خواندن دعا، اقدام به رشامه کند. (اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان/۴۵۱)

ویل دورانت در تاریخ تمدن خود در مورد عبادت یونان باستان می‌نویسد «مؤمنان در جریان عبادت، خود را به مذبح که جلوی معبد قرار داشت، می‌رساندند و به‌وسیله قربانی و نماز از خشم خدا ایمنی می‌یافتند و یاری او را جلب می‌کردند.» (تاریخ تمدن، ج۱، ص۲۲۸) و نیز طبق آماری که «جان ناس» در کتاب تاریخ ادیان خود می‌آورد، معابد مذهبی شینتو (مذهب وطن‌پرستی ژاپن) تعدادشان در سال ۱۹۴۵ به یکصد هزار می‌رسید. این معابد عموماً دارای حصار مقدس و دروازه‌هایی موسوم به «توری» بودند که شهرت جهانی دارد و نیز مناره‌ای به‌سبک گلدسته‌های مساجد اسلامی داشتند، پیش از آغاز پرستش، زائر باید تطهیر می‌کرد و دست و دهان خود را می‌شست و در وضوخانه معبد وضویی می‌گرفت و با بر هم نهادن دو کف دست به‌محازات سینه که شیوه مخصوص پرستش ژاپنی است، تعظیم می‌کرد و بعد با به صدا در آوردن زنگ، انجام نماز و نیایش و تعظیم محدود، مشغول عبادت می‌شد. (تاریخ جامع ادیان جان ناس، ص۴۲۷)

در مورد مانی و آئین او گفته شده است که در شبانه‌روز چهار نماز را واجب می‌دانستند و نمازگزار باید با آب روان یا راکد مسح کند و روبه‌روی آفتاب بایستد و به سجده رود و بگوید: « مبارک است راهنمای ما، فارقلیط، پیامبر ما و مبارک است فرشتگان نگهبان او و مسبّحان، لشکریان پرتوافشان او»، پس از گفتن این کلمات برخیزد و راست بایستد و بعد به سجده دوم رود، بگوید: «به پاکی یاد شده‌ای تو ای مانی پرتوافشان و راهنمای ما که ریشه روشنایی و نهال زندگی و شجره بزرگی هستی که تمامش بهبودی‌بخش است»، باز بلند شود و بایستد و به سجده سوم رود و دعاهایی بگوید و این کار را تا سجده دوازدهم ادامه دهد.

زرتشتیان نمازشان بسیار شبیه نماز مسلمانان است و همان طور در پنج وقت باید نماز و دعاهای مخصوص را بخوانند و نیز مقدماتی برای انجام مراسم عبادی دارند که بی‌شباهت به مقدمات نماز در اسلام نیست؛ در کتاب «دیانت زرتشتی» آمده است، زرتشتی‌ها هر ۲۴ ساعت را به پنج دوره یا گاه تقسیم می‌کنند و آداب مذهبی تابع این پنجگانه است. بر هر زرتشتی مؤمن فرض است که در هر یک از پنج دوره، ادعیه و مناجات‌های خاص بخواند. این ادعیه و نیایش‌ها با ستایش و تمجید «اورمزد» همراه است و از اصول و واجبات ضروری زندگانی روزانه زرتشتیان محسوب می‌شود. اکثر زرتشتیان به خواندن ادعیه در صبحگاه و شامگاه اکتفا می‌کنند. جهت نیایش زرتشتیان، به‌سوی منبع نور (آفتاب، ماه و چراغ) است و اکثر با خم شدن و سجده بر روی زمین و نشان دادن عبودیت و بندگی خود به اورمزد، دعای خود را پایان می‌دهند، فرضیات به‌زبان اوستایی تلاوت می‌شود، مؤمنین زرتشتی اغلب همراه آن، ادعیه‌ای نیز به فارسی یا گجراتی می‌خوانند. برخی از بهدینان نه‌تنها فرضیات را حفظ هستند بلکه بعضی از یشت‌ها و یا قسمتی از آن‌ها ــ ازجمله بهرام یشت ـ را حفظ می‌کنند. (مری بویس، دیانت زرتشتی، ص۱۵۵)

درباره حضرت مسیح علیه‌السلام، آیاتی در سوره مریم، نشانگر انجام این عبادت الهی، توسط آن حضرت است، همچنان که خداوند از زبان این رسول بزرگوار در سوره مریم می‌فرماید «وَ أَوْصانی بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ ما دُمْتُ حَیًّا»؛ یعنی تا آن زمان که زنده‌ام، به نماز و زکات توصیه شدم. دکتر احمد شلبی متفکر اسلامی و پژوهشگر ادیان می‌گوید: «مهم‌ترین عبادات نزد مسیحیان روزه و نماز است، ولی محدوده آن‌ها متفّق‌علیه نیست، بسیاری از مسیحیان معتقدند که انتظامات و قانون در روزه و نماز اختیاری است نه اجباری. مسیحیان هفت نماز در روز و شب دارند که عبارتند از: نماز صبحگاهان (بکور) و نماز ساعت سوم و ششم و نهم و یازدهم و دوازدهم و نیمه شب و اهتمام و توجه آن‌ها به نماز، بیشتر از روزه است و نماز، ترتیبی خاص ندارد.»، نماز متفّق‌علیه نمازی است که مسیح علیه‌السلام آن را تعلیم داده و در انجیل متی آمده است: «پس این‌طور دعا کنید؛ ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید، اراده تو چنان‌که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود، نان کفاف ما را امروز به ما بده و قرض‌های ما را ببخش چنان‌که ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم و ما را در آزمایش نیاور بلکه از شریر ما را رهایی ده زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابدالآباد از آن تو است، آمین.»

اما نماز، آثار فردی و اجتماعی متعددی را در بر دارد که قرآن به بخش‌هایی از آن اشاره می‌کند. آنچه در آموزه‌های قرآنی درباره فواید معنوی نماز آمده است، منحصر در دین اسلام نیست بلکه می‌توان گفت هر نمازی فوائد مشترکی هم دارد؛ ازجمله آنکه خداوند می‌فرماید نماز، انسان را از فحشا و منکرات بازمی‌دارد؛ «وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ» (عنکبوت:۴۵) یا نماز را برای رسیدن به یاد و محضریت خویش معرفی می‌کند؛ «وَ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْری» (طه:۱۴)، جالب است که خطاب خداوند در این آیه به موسی علیه‌السلام است. در «قاموس کتاب مقدس» در مورد فایده نماز آمده است: «فایده دعا و نماز متنّبه ساختن قوی و منوّر کردن قلوب و ضمایر و سبب ترغیب و استحکام اعتماد و توکل بر حضرت خالق و قادر کلّ است، به‌طوری که از آن پس امکان دارد استدعاها و درخواست‌ها و تضرعات ما را مرحمت فرماید، اما نماز خانگی که عبارت از نماز جماعتی اهل خانه باشد، سبب استحکام و تقویت و تسلط والدین و حفظ نظامات خانوادگی شده حقایق دینی را در قلوب اطفال غرس می‌کند.» (کتاب مقدس (عهد جدید) ۳۸۵)

سه اثر شوم گرانی در جامعه در کلام امام صادق (ع)

سپهرغرب، گروه اندیشه: گرانی، غیر از اینکه موجبات بداخلاقی را در جامعه فراهم می‌آورد، روح امانت‌داری را هم از جامعه می‌برد.

اگر بخواهیم با نگاهی ساده مشکلات یک جامعه را شمارش کنیم، همواره بیکاری، اعتیاد و گرانی را در صدر این مشکلات می‌بینیم. افزایش جمعیت و کمبود تقاضای نیروی کار، تبدیل سیستم سنتی به صنعتی و چندشغله بودن از عوامل بیکاری و عدم تناسب میزان دستمزد کارگران و کارمندان با رشد قیمت در بازار موجبات گرانی را فراهم می‌آورد.

گرانی، آثار فردی و اجتماعیِ مخربی برای هر جامعه‌ای به همراه می‌آورد؛ یکی از این آثار منفیِ اجتماعی، ثروتمندتر شدن ثروتمندان و فقیرتر شدن فقرا است؛ زیرا روز به روز بر ارزش دارایی ثروتمندان که صاحبان کالا و سرمایه هستند، افزوده می‌شود و از سوی دیگر قدرت خرید فقرا پایین‌تر می‌آید و مجبور می‌شوند برای تهیه مایحتاج خود مبلغ بیشتری هزینه کنند. این مسئله سبب ایجاد شکاف طبقاتی بین مردم می‌شود و از این رهگذر، بداخلاقی و تندخویی در جامعه گسترش می‌یابد.

جالب است که امام صادق علیه‌السلام در روایتی درباره آثار سوء گرانی در جامعه فرمود «غَلَاءُ السِّعْرِ یُسِیءُ الْخُلُقَ وَ یُذْهِبُ الْأَمَانَةَ وَ یُضْجِرُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ.» یعنی گرانی قیمت، سبب بداخلاقی و رفتن امانت‌داری می‌شود و شخص مسلمان را بی‌تاب می‌کند و به ستوه می‌آورد.

بر اساس این حدیث، گرانی، غیر از اینکه موجبات بداخلاقی را در جامعه فراهم می‌آورد، روح امانت‌داری را هم از جامعه می‌برد؛ یعنی ممکن است جنس صوری و تقلبی به مردم فروخته شود یا غش در معامله صورت گیرد. همچنین سبب می‌شود فرد مسلمان آزرده و خسته شود و به ستوه بیاید. در چنین شرایطی، به مرور کنترل جامعه از دست حاکمیت خارج می‌شود و عواقب شومی را برای هر سرزمینی رقم می‌زند.

سوای از اینکه مسئولان امر باید تدابیر لازم برای کنترل تورم را اتخاذ کنند و به مردم حق اعتراض دهند، لازم است انسان به آموزه‌های قرآنی درباره صبر در مصائب عمل کند؛ صبر یعنی انسان ساختار و شخصیت خود را در مشکلات حفظ و عزتمندانه زندگی کند؛ از این جهت است که خداوند وقتی از برخی مشکلات مانند ترس، گرسنگی، کمبود مال و تهدید جان و کاهش محصولات به‌عنوان ابتلای مؤمنین یاد می‌کند، در انتها دعوت به صبر می‌کند: «وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِین؛ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیلِ] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم؛ و صابران را مژده بده.»

برای اجرای سند الگو
افراد متناسب با شاخص‌های اسلامی تربیت شوند

استاد سطوح عالی حوزه علیمه قم گفت: برای اجرای سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیازمند تربیت نسلی متناسب با شاخص‌های اسلامی هستیم.

حجت‌الاسلام مسلم گریوانی، در یادداشتی به تبیین جایگاه معنویت در پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخت.

مشروح این یادداشت به شرح زیر است:

«معنویت در کنار علم، عدالت و عقلانیتِ دینی، تأمین‌کننده ارکان بنیادین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ارتقای نرم‌افزاری یک جامعه، نظام و تمدن اسلامی است؛ تأکید توأمانیِ بر عناصر مذکور، زیربنای رهنمودهای تمدنی اسلام و وجه تمایز آن از دیگر مکاتب به‌شمار می‌رود. با توجه به اینکه تمدن‌های موجودِ شرقی و غربی، یا تمرکز بر معنویتِ منهای علم و عقل دارند، یا بر علم و عقلانیتِ منهای معنویت؛ تدوین سند الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت بر پایه این هسته‌ای مرکزی، می‌تواند پرچمدار تمدن نوین اسلامی باشد.

در بخش‌های متنوعی از سند الگو، این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است:

■ **در مبانی جامعه شناختی:**

تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و بسترساز تحول بنیادین و گسترده در جامعه است.

■ **در مبانی دین شناختی:**

اسلام، نظام جامع معرفتی-معیشتی است که خداوند متعال برای تربیت انسان و تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی او نازل فرموده است.

■ **در اصول و مبانی عملی:**

خانواده‌محوری در تنظیم ساختارها و مناسبات اجتماعی و رشد جمعیت با تأکید بر تربیت نیروی انسانی مؤمن و صالح؛

در یکی از بندهای تدابیر: تحول در ساختار، رویکرد و محتوای نظام تعلیم و تربیت کشور و والاسازی جایگاه معلمان، برای تربیت انسان‌های مؤمن، توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی.

و بالأخره در بند دیگر تدابیر: واگذاری و پذیرش مسئولیت‌ها... با محوریت روحیه جهادی، ساده‌زیستی... با بهره‌گیری از نظام شناسایی و تربیت شایستگان به‌ویژه جوانان و پیشگیری از پیدایش حلقه‌های بسته مدیریت، ضرورت پرداختن به این موضوع را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

تحقق عملیِ سند الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت جامعه با هدف تعالی انسان در ساحات گوناگون حیات بر اساس آموزه‌های اسلامی، یکی از مسائل مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در راستای اجرای سند الگو، نیاز به تربیت نسلی متناسب با شاخص‌های اسلامی داریم. برای تحقق این هدف مهم، راهبردها و راهکارهایی در سه ساحت ساختاری، راهبردی و عملیاتی پیشنهاد شده است؛ از آن جمله می‌توان در ساحت ساختارها به تبیین رابطه منطقی و عملیاتی سند الگو با اسناد بالادستی آموزش عالی، اجرا و تحقق سند تحول آموزش و پرورش، ایجاد کانون پرورش معنوی کودکان، تقویت مدارس تحولی در سایه از قبیل مدارس معارفی صدرا، امین و...؛ تربیت و تقویت معلمان دانشگاه فرهنگیان، ایجاد مؤسسات تخصصی حوزوی و تربیت مربی معنوی-عقلانی کودکان و نوجوانان مبتنی بر اندیشه‌های امام و رهبری؛ در ساحت راهبردی به: تغییر مناسباتِ فرهنگی به مسجدمحوری، تغییر مناسباتِ آموزشی و پژوهشی مراکز علمیِ دانشگاهی از دانش‌محورانه به حل مسئله؛ و حوزه‌ها از فقه‌محورانه به معنویت‌محورانه، و تغییر رویکرد مدیریتی به سمت مدیریت جهادی و عقلانی؛ همچنین تغییر رویکرد تربیتی خانواده‌ها از تربیت مناسکی (در خانواده‌های مذهبی) یا سکولار (در خانواده‌های شبه روشنفکری) به تربیت معنوی-عقلانی فرزندان اشاره نمود؛ در ساحت عملیاتی: بر تبیین مهارت‌های تربیت معنوی-عقلانی فرزندان با تفکیک سنی کودکان و نوجوانان تأکید شده است.»